



چالش‌های نظام بیمه مسئولیت حرفه‌ای وکلای دادگستری

امیرعلی اسعدی

کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی

چکیده

برخی از افراد جامعه با اشتغال در یک حرفه خاص، موظف به رعایت کردن قوانین و الزامات حرفه‌ای شغل خود هستند و در صورت رعایت نکردن الزامات شغلی و حرفه‌ای و ورود خسارت، دارای مسئولیت حرفه‌ای می‌باشند. یکی از مشاغل که ممکن است باعث ورود خسارت گردد، حرفه وکالت است که وکیل دادگستری ممکن است به خاطر تقصیراتی که مرتکب شده است، باعث وارد آمدن خسارت به موکلش گردد که وکیل باید این خسارت را جبران نماید. بنابراین، در این مقاله هدف این است که ایجاد بیمه مسئولیت حرفه‌ای وکلای دادگستری، به عنوان بهترین و کارآمدترین راهکار جبران خسارت معرفی گردد تا از یک طرف خسارت زیان‌دیدگان را جبران سازد و از طرف دیگر موجبات آرامش وکیل را در راستای ایفای وظایف حرفه‌ای‌اش فراهم سازد. لذا ابتدا مسئولیت حرفه‌ای وکیل دادگستری با بیان تفاوت آن با وکیل مدنی مورد بررسی قرار گرفته، سپس ماهیت بیمه مسئولیت حرفه‌ای وکلا، مبانی و ملاک جبران خسارت در حقوق بیمه و هم چنین ابهامات و چالش‌های آن نیز بررسی شده است. نتیجه این پژوهش آن شد که می‌توان تقصیرات غیرعمدی وکلای دادگستری را مستند به ماده 14 قانون بیمه مصوب 1316 را در پوشش بیمه و جبران خسارات ناشی از تقصیرات عمدی وکیل را بر دوش وکیل قرار داد و از پوشش بیمه‌ای خارج ساخت تا بیمه وسیله‌ای برای سودآوری وکیل نشود و موجبات اخلاص نظام عمومی و خسارت‌های عمدی را فراهم نکند.

واژگان کلیدی: بیمه، مسئولیت حرفه‌ای، ابهامات، وکیل.

1. مقدمه

نظام‌های بیمه مسئولیت حرفه‌ای یکی از تحولات جامعه بشری در تکمیل قواعد مسئولیت مدنی تلقی می‌شود. این موضوع مبتنی بر قاعده‌های عرفی-عقلی است که در بسیاری از نظام‌های حقوقی مورد شناسایی قرار گرفته است و آن هم اصل عدم اضرار به غیر و لزوم جبران خسارات کامل در مسئولیت‌های مدنی است. در این میان برخی از افراد جامعه با اشتغال به یک حرفه خاص خود را موظف و مکلف به رعایت قوانین و الزامات آن حرفه می‌کنند که در صورت عدم رعایت آن و ایجاد خسارت، دارای مسئولیت حرفه‌ای می‌گردند. یکی از این مشاغل، حرفه وکالت دادگستری می‌باشد که فرد وکیل با دریافت پروانه رسمی وکالت



دادگستری خود را به عنوان یک فرد حرفه‌ای در جامعه معرفی می‌کند و مردم با توجه به مهارت و دانش او به آن اعتماد می‌کنند و احقاق حقوق خود را به وی می‌سپارند. در همین راستا اگر وکیل، الزامات شغلی خود را رعایت ننماید و از این بابت به موکل خود خسارتی وارد آورد، باید خسارت وارده را جبران نماید. در این میان، برای آن که وکیل، بدون دغدغه و آرامش بتواند به فعالیت وکالت بپردازد و موکل زیان ندیده، خسارتش جبران گردد، باید نهادی وجود داشته باشد تا این مهم را محقق نماید، که بهترین و کارآمدترین نهاد، بیمه مسئولیت حرفه‌ای می‌باشد. بیمه مسئولیت حرفه‌ای، مسئولیت قانونی و حرفه‌ای صاحبان حرفه را در مقابل مشتریان، در صورت عمدی نبودن خسارت وارده، پوشش می‌دهد. بنابراین اهمیت بیمه مسئولیت وکلا پدیدار می‌گردد که این بیمه از سویی امنیت حرفه‌ای وکیل دادگستری را تامین می‌کند و دغدغه وکلا نسبت به عواقب مالی ناشی از خطاهای ناخواسته حرفه‌ای را برطرف می‌سازد و از سوی دیگر تضمین مناسبی در اختیار موکلان قرار می‌دهد. امروزه صنعت بیمه در دیگر کشورها و از جمله کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا رشد بسیاری کرده و تحولات متعددی را به خود دیده است و بیمه مسئولیت حرفه‌ای و از جمله بیمه مسئولیت حرفه‌ای وکلای دادگستری متحول و به روز شده است در حالی که در ایران این‌گونه بیمه‌ها در مقایسه با سایر کشورها رشد و گسترش چندانی نداشته است و مورد بی‌توجهی قرار گرفته و تنها چند بیمه‌نامه مسئولیت حرفه‌ای مانند پزشکان و مهندسی مشاور طراحی و تنظیم شده است که در عمل هم با چالش‌هایی روبه‌رو است زیرا از باب مثال با وجود شرط برائت، پزشکان کمتر به بیمه مسئولیت خود تمایل نشان می‌دهند که ریشه این بی‌توجهی را می‌توان در دو مورد دانست:

الف) صنعت بیمه در کشور ما هنوز نوپاست و نتوانسته در همه ابعاد زندگی نقش ایفا کند و به همین دلیل صاحبان مشاغل کمتر به بیمه مسئولیت خود تمایل نشان می‌دهند.

ب) بیمه‌نامه‌های موجود فاقد استانداردهای لازم برای تبیین روابط طرفین است در صورتی که بیمه‌نامه‌های کشورهای خارجی از جمله بیمه‌نامه مسئولیت حرفه‌ای وکلای دادگستری آمریکا، شرایط عمومی، تعهدات طرفین قرارداد و موضوع‌های تحت پوشش بیمه را به دقت بیان داشته و حتی بخش‌های استثنای ریسک موضوع بیمه، موضوع‌هایی که از تحت پوشش بیمه خارج است دقیق، مشروح و مفصل شمارش شده است که این کار راه را برای ارائه تفسیرهای متفاوت می‌بندد در حالی که در بیمه‌نامه‌های مسئولیت حرفه‌ای رایج در ایران مانند بیمه‌نامه مسئولیت حرفه‌ای پزشکان، شرایطی بیان شده است که اگر بیان هم نمی‌شد، مطابق اصول حقوقی و مقررات بیمه‌ای و اصول حاکم بر قراردادهای بیمه قابل استنباط بود.

به همین علت در این مقاله به چالش‌ها و ابهامات نظام بیمه مسئولیت حرفه‌ای وکلای دادگستری از قبیل؛ تفاوت مبانی و ملاک‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی و حقوق بیمه پرداخته می‌شود که در این خصوص سؤالاتی از قبیل این که وجوه افتراق و اشتراک مسئولیت مدنی با مسئولیت حرفه‌ای چیست؟ آیا قواعد جبران خسارت در مسئولیت حرفه‌ای متفاوت است؟ در فرض پذیرش بیمه مسئولیت حرفه‌ای در این‌صورت بیمه دقیقاً کدامین مسئولیت وکیل را بیمه می‌کند و دامنه جبران خسارت تا چه میزان است؟ مطرح می‌گردد که با روش توصیفی- تحلیلی که متضمن مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی متون و بیمه‌نامه‌های مرتبط است مورد تبیین قرار خواهند گرفت.

2. وکیل مدنی

وکالت در لغت به معنای "واگذاری و سپردن کار به دیگری از جانب خود است" (کاتبی، بی‌تا: 69) و در اصطلاح به معنای "نیابت دادن به دیگر و ماذون ساختن فردی دیگر از جانب خود است تا به نیابت از او اقدام کند" (کاتوزیان، 1394: 83). و در فقه نیز اینگونه تعریف شده: «وکالت سپردن کاری به دیگری است تا آن را در حال حیاتش، برایش انجام دهد یا سر و سامان دادن امری از امور را برای او در حال حیاتش به او ارجاع دهد» (موسوی خمینی، بی‌تا: 255). بنابراین وکیل، نماینده موکل محسوب می‌شود و بر اساس اذنی که از موکل خود دارد به نیابت از او اقدامات محول شده را انجام می‌دهد. از همین رو در وکالت مدنی موکل باید خود اهلیت و توانایی انجام آن کار را داشته باشد. از همین رو موکل در موضوعاتی می‌تواند اذن دهد و وکیل اختیار نماید که خود نیز اهلیت لازم در آن موضوع را داشته باشد وگرنه نمی‌تواند برای آن حوزه وکیل اتخاذ کند و باید ولی یا قیم او برای او اقدام نمایند و موید این کلام ماده 662 قانون مدنی می‌باشد.



3. وکیل دادگستری

وکالت دادگستری نوعی خاص از وکالت مدنی است که توسط قوانین خاص این حرفه تخصیص خورده است. از جمله قانون وکالت 1315 و آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب 1333 و آیین نامه آن و سایر قوانین مرتبط که الزامات شغلی وکیل را رقم زده زد هاند. در واقع این قوانین اوصاف و شرایط خاصی را برای وکیل دادگستری بیان کرده اند. بنابراین، مفهوم وکیل دادگستری را میتوان اینگونه بیان کرد: « وکالت دادگستری عبارت از وکالت و نیابت دادن به کسی برای تعقیب امری در مراجع قضایی، اعم از مدنی و کیفری میباشد» (جعفری لنگرودی، 1383: 752). زیرا که وکیل دادگستری باید دارای علم و تجربه کافی بوده و آشنا به حقوق مردم باشد تا دیگران را از تجاوز به حدود و حقوق موکل خود منع نماید. بنابراین این فرد باید به اصول و قوانین آگاه بوده و در دستگاه قضایی ثابت کند که دیگران به حدود و حقوق موکل او تجاوز و تعدی کرده اند (سرشار، 1327: 21). بنابراین با توجه به معنی لغوی و اصطلاحی وکیل دادگستری و با توجه به عدم تعریف آن در قوانین ایران میتوان چنین جمع بندی کرد که وکیل دادگستری، شخصی است دارای پروانه رسمی وکالت دادگستری، که به موجب آن م تواند از طرف اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) جهت اقامه دعوا یا دفاع از آن به مراجع قانونی معرفی گردد و یا برای انجام این امور طرف مشورت قرار بگیرد (عباسلو و همکاران، 1395: 21).

4. مسئولیت حرفه ای

در مسئولیت حرفه ای به مسئولیت های کیفری و انتظامی شاغلین حرفه ای پرداخته می شود. شایان ذکر است که غالب مسئولیت های حرفه ای ناشی از مسئولیت قراردادی می باشد زیرا که با توجه به پیشرفت و توسعه زندگی بشر و تخصصی شدن حرف در جوامع بشری، این نیاز پدیدار گشت که افراد حاضر در جامعه برای برطرف ساختن نیازهای خود راهی جز اعتماد و رجوع به افراد متخصص در هر حوزه ندارند و به تنهایی قادر نخواهند بود که نیازهای خود را برطرف نمایند. از این رو باید برای مشاغل و افراد مشغول در هر حرفه در قبال خسارت هایی که به واسطه رفتار حرفه ایشان به بار می آورند مسئولیتی تعریف کرد تا خسارات وارده را جبران نمایند. که این مسئولیت یک شاخه جدید در عرصه حقوق می باشد. حال در این اثنا که افراد به اشخاص حرفه ای مراجعه می کنند شخص حرفه ای در راستای پاسخ دادن به نیاز فردی که به وی مراجعه کرده به آن خسارت و آسیبی وارد می کند که این خسارات وارده باید جبران گشته و این تدارک خسارت، در زمره مفهوم مسئولیت حرفه ای گنجانده می شود. بنابراین وکیل به عنوان یک فرد حرفه ای، علاوه بر قراردادی که با موکل خود منعقد می کند باید الزامات و قوانین شغلی خود را رعایت نماید. لذا اگر در همین راستا، چه مفاد قرارداد را رعایت نکند و چه از الزامات و قوانین شغلی سرباز زند و بدین واسطه به موکل خسارتی وارد آید، وی مسئول جبران خسارت است.

5. بیمه مسئولیت حرفه ای وکیل

وکیل را نمی توان به صرف ورود ضرر به موکل مسئول دانسته و او را ملزم به جبران خسارت وارده نماییم زیرا که بدین نحو حیات اقتصادی مشاغل را به خطر افتاده و باعث می گردد نقش های مهمی چون وکالت خالی بماند و همین خلأ سبب گردد تا حقوق تضییع شده افراد جامعه به دلیل عدم شناخت و نداشتن اطلاعات کافی از دانش حقوقی استیفا نگردد. لذا باید قائل بر آن باشیم که وکیل در صورت ارتکاب تقصیر، مسئول شناخته شود و خسارات وارده را جبران نماید. حال برای مسئول دانستن وکیل در ابتدا لازم است که اقسام تقصیر را دانسته و مبتنی بر آن بررسی کنیم که بیمه کدامین تقصیر وکیل را پوشش می دهد. تاثیر و شدت و ضعف تقصیر از مسائل و تقسیم بندی هایی است که در مسئولیت مدنی حقوق رم به آن پرداخته شده است. که در آنجا، تقصیر را به عمد و غیر عمد و همچنین غیر عمد را به سنگین و سبک تقسیم نموده است. ولی این درجه بندی در حقوق ما جایگاهی ندارد و فرد با ارتکاب تقصیر به هر درجه ای که باشد مسئول شناخته می شود اما با این حال در برخی موارد مثل بیمه مسئولیت حرفه ای، این درجات آثار قابل توجهی را ایجاد می نمایند (کریمی، 1376: 271).

6. ابهام در نحوه و دامنه مسئولیت وکیل دادگستری در برابر موکل

6-1. مسئولیت‌های ناشی از نقض تعهدات قراردادی

در وکالت بر ذمه وکیل تکالیف و تعهداتی بار میشود که نقض آنها چه به صورت فعل و چه به صورت ترک فعل، به مسئولیت وکیل منجر میشود. وکیل موظف است بر اساس قراردادی که با موکل دارد به تمام تعهدات خود عمل نماید. از این رو اگر وکیل در راستای انجام وکالت کارهایی را انجام دهد که مخالف قرارداد و تعهدات قراردادی باشد و سبب نقض تعهدات گردد، وی مسئول است تا خساراتی که از این طریق به موکل وارد میگردد را جبران نماید. مبنای این مسئولیت تقصیر وکیل به مفهوم نوعی آن، یعنی تجاوز از رفتار متعارف می‌باشد. تقصیر وکیل یک تقصیر حرفه‌ای محسوب می‌گردد و باید عمل او را با رفتار یک وکیل دادگستری متعارف مقایسه کرد. از این رو نقض رفتار متعارف و اخلاق حرفه‌ای برای مسئول شناختن شخص ناقض رفتار غیرمتعارف کافی است (صفایی و رحیمی، 1399: 196). حال اگر انجام افعالی که سبب نقض تعهدات می‌شود سهوا و از روی بی‌احتیاطی باشد و وکیل از پوشش بیمه‌ای برخوردار باشد بیمه‌گر موظف است براساس بیمه‌نامه و سقفی که در بیمه درج شده خسارت وارده بر زیان‌دیده را جبران نماید و اگر از روی عمد باشد بیمه تکلیفی بر جبران خسارت ندارد. همچنین، وکیل در جریان دفاع از پرونده باید تمام وظایف متعارف و حرفه‌ای خود را به بهترین شکل ممکن انجام دهد و اگر از هرکدام از آن وظایف سرباز زند و از این طریق به موکل خسارتی وارد آید وی مسئول بوده و باید خسارت وارده را جبران نماید. تکلیف اصلی وکیل تعهداتی است که از طریق وکالت‌نامه به وی سپرده شده است و باید در انجام این تکلیف تمام سعی و کوشش خود را مبذول کند و همچنین باید غبطه و مصلحت موکل را در نظر داشته باشد و از اموری که به وی سپرده شده را به بهترین شکل ممکن انجام دهد. بنابراین اگر وکیل از اجرای مفاد عقد وکالت خودداری کند و آنچه به عهده دارد به تأخیر اندازد، مسئول زیان‌های مادی و معنوی است که از این راه به موکل وارد می‌شود (کاتوزیان، 1394: 87).

6-2. مسئولیت‌های ناشی از اخلاق حرفه‌ای

وکیل علاوه بر تعهدات قراردادی که بر عهده دارد تعهداتی ناشی از حرفه وکالت را نیز بر عهده دارد که در صورت عدم رعایت و اجرای آنها و وارد آمدن خسارت به موکل، وی مسئول می‌باشد.

الف) عدم صلاحیت وکیل

وکیل در دعوی موضوع قراردادی صلاحیت و مهارت کافی نداشته باشد و بدین وسیله موجب خسارت به موکل گردد از جنبه‌های گوناگون مسئول جبران خسارت وارده است. مبنای این مسئولیت مبتنی بر قاعده غرور است که وکیل بر خلاف واقع، موکل یا طرف مشاوره خود را به داشتن اطلاعات کافی در زمینه موضوع پرونده فریب داده و وی را مغرور کرده است (عباسلو، 1390: 93). بنابراین ضابطه با توجه به تخصصی بودن شغل وکالت، از وکیل انتظار می‌رود حداکثر تلاش و مهارت علمی خود را بکار بگیرد و با توجه به مصوبات قانونی و آرای وحدت رویه ادعای او نسبت به جهل از قوانین و رویه‌ها مسموع نیست. حال اگر وکیل خود را در یک زمینه متخصص معرفی کند مسئولیت وی نسبت به خطاهای علمی و عملی شدیدتر خواهد بود زیرا با معرفی خود در یک حوزه باعث اعتقاد بیشتر مراجعه کننده به توانایی علمی او می‌شود. بنابراین اگر خلاف این امر ثابت گردد، مورد از مصادیق غرور خواهد بود که در هر شرایطی موجب ضمان می‌گردد (قهرمانی، 1384: 32 و 82).

ب) سهل انگاری وکیل در امر وکالت

جریان رسیدگی به دعوا از یک برنامه زمان‌بندی شده تبعیت می‌کند و از این رو رعایت مواعد آیین دادرسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است بنابراین وکیل دادگستری باید از این مواعد آگاهی داشته باشد و مراقبت‌های لازم دراز دعوی موکل را بنماید و این تعهد وی به نتیجه است (عباسلو و همکاران، 1390: 90). عدم رعایت مواعد قانونی ممکن است منجر به ورود خسارت گردد و سبب مسئولیت مدنی وکیل دادگستری شود. به عنوان نمونه اگر وکیلی غیرغم قابل تجدیدنظر بودن حکم یا قرار از این حق چشم‌پوشی کند و انجام ندهد در واقع خارج از حدود اذن عمل کرده و مسئول زیان‌های وارده به موکل خود می‌باشد.



همچنین در صورتی که تقدیم دادخواست در تاریخ یا مهلت معین دارای آثار حقوقی خاص باشد وکیل بدون جلب موافقت و اذن موکل مجاز به استرداد چنین دادخواستی نخواهد بود و در صورت چنین اقدامی وی مسئول جبران خسارت وارده بر موکل خود می‌باشد (قهرمانی، 1384: 177). حضور در جلسات دادرسی یکی از بارزترین چهره‌های تعهد وکیل مبتنی بر مراقبت در انجام وظیفه است و وکیل تنها در صورت داشتن عذر موجه می‌تواند در جلسات دادرسی شرکت نکند و وکیل در صورت عدم حضور در جلسه دادرسی به مجازات تعزیری درجه ۶ محکوم می‌گردد و علاوه بر این در صورت اثبات ضرر مسئولیت وکیل در مقابل موکل را دربر خواهد داشت.

7. ابهام در نحوه و دامنه مسئولیت وکیل دادگستری در برابر اشخاص ثالث

7-1. طرح دعوا به قصد اضرار به غیر

براساس اصل ۳۵ قانون اساسی طرفین دعوی می‌توانند برای خود وکیل انتخاب نمایند و هر ذی‌نفعی می‌تواند برای احقاق حقوق خود و منتفع شدن از حقوقش در دادگاه اقامه دعوا کند بدین معنی که هرگاه شخصی ذی‌نفع باشد برای اقامه دعوا کافی است و علاوه بر این خواهان یا وکیل او باید قصد مشروع داشته باشند از این‌رو اگر دعوا با قصد نامشروع اقامه گردد و هدف از اقامه دعوا تنها ضرر رساندن به غیر باشد وکیل و موکل آگاه از اقدام وکیل، براساس ماده ۱ قانون مسئولیت‌مدنی در برابر شخص زیان‌دیده مسئول خواهند بود. طرح دعوای واهی نوعی اضرار به غیر است و به دعوایی گفته می‌شود که در مقام اثبات پشتوانه مستند و مدرکی نداشته باشد. بنابراین از وکیل دادگستری انتظار می‌رود قبل از طرح هر دعوا و شکایتی ابتدا از صحت میانی آن دعوا اطمینان حاصل کند و از طرح دعوای واهی پرهیز کند. بنابراین اگر وکیل به منظور تبانی یا تاخیر در رسیدگی، اقدام به جلب ثالث نماید و با تقدیم دادخواست تقابل واهی در روز جلسه رسیدگی از فرصت‌های قانونی برای تجدید جلسه رسیدگی سوءاستفاده نماید و از این راه به طرف مقابل ضرری وارد گردد نماید وکیل مسئول جبران خسارت است. همچنین چنانچه اثبات گردد که وکیل با اطلاع کامل از این که دعوایی که اقامه کرده است بدون سند و ادله اثباتی است دعوای واهی اقامه کرده در مقابل ثالث مسئول خواهد بود (عباسلو و همکاران، 1390: 98).

7-2. اقامه دعوی با استفاده از وسایل خدعه‌آمیز

مبنای هر دعوای حقوقی باید قانون و شرع باشد و توسل به خدعه و فریب در آن راهی نداشته باشد زیرا هدف اصلی از دادرسی رسیدن به حقیقت است و وکیل و موکل باید از فریبکاری و توسل به وسایل خدعه‌آمیز پرهیز کنند. قانون نیز از وکلای دادگستری انتظار دارد که قبل از اقامه هر دعوای حقوقی ادله اثباتی را به دقت بررسی کرده و بعد از اطلاع کامل از آن که ادله فاقد هرگونه خدعه و فریب است اقامه دعوا نماید. اگر چنانچه استفاده از خدعه در موضوع وکالت درج شده باشد، از منظر تحلیل حقوقی تمسک به روش‌های غیرشرعی و خدعه‌آمیز، به سبب نامشروع بودن موضوع وکالت از اعتبار ساقط است و در صورت عدم اطلاع موکل مسئولیت کامل آن با وکیل است (قهرمانی، 1384: 259). همچنین اگر وکیل با تمسک به وسایل خدعه‌آمیز موجب اطاله دادرسی گردد براساس بند ۹ ماده ۸۰ آیین‌نامه لایحه استقلال قانون وکلا به مجازات تعزیری درجه ۴ محکوم می‌گردد. وسایل خدعه‌آمیز یکی از مصادیق قاعده غرور است که موجب فریب و مغرور شدن طرف مقابل می‌گردد. براساس قاعده ضمان در فقه و حقوق ایران هرگاه کسی دیگری را به امری مغرور کند و از این راه به او زیان و خسارتی وارد آید، زیان زننده ضامن جبران خسارت خواهد (صفایی و رحیمی، 1399: 190).

7-3. بطلان به علت فقدان بعضی از شرایط اساسی

اشخاصی صلاحیت و اهلیت معامله و انعقاد عقد دارند که بالغ، عاقل، رشید، دارای قصد و رضا باشند لذا اگر وکیل با اطلاع از عدم اهلیت موکل با او عقد وکالت منعقد نماید و بدون آن که به نماینده قانونی یا قضایی موکل اطلاع دهد، موضوع وکالت را انجام دهد و طرح دعوا کند و به علت بی‌اعتباری وکالت، ثالث زیان ببیند در این صورت وکیل دادگستری مسئول جبران

خسارت وارده است. به عنوان مثال چنانچه وکیل با توجه به صغیر بودن فرد وکالت او را بپذیرد و بابت آن علیه ثالث طرح دعوا نماید و بعد معلوم گردد که موکل دارای اهلیت نبوده، وکالت باطل می‌گردد. لذا اگر بابت این موضوع مواعد قانونی به ضرر ثالث تمام شود و اطاله دادرسی رخ بدهد و ثالث خسارت ببیند، وکیل موظف است خسارت وارده را جبران نماید.

4-7. نقص اصل «مدارا نمودن با طرف دعوی»

اصل مزبور را نمی‌توان تحت همین عنوان در حقوق ایران پیدا کرد ولی مفاد این اصل را در ماده ۳۹ آیین‌نامه لایحه اصلاحی استقلال کانون وکلای دادگستری می‌توان پیدا کرد که بیان داشته وکیل قسم می‌خورد نسبت به اصحاب دعوا رعایت احترام را انجام دهد. رعایت ادب و احترام چیزی فراتر از «مدارا نمودن» است. زیرا که در رعایت احترام وکیل باید اعمالی را انجام دهد که حاکی از ادب و عزت نهادن به طرف مقابل باشد درحالی که در مدارا کردن صرفاً بی‌حرمتی صورت نگیرد کافی است. از همین‌رو از ماده ۳۹ آیین لایحه اصلاحی استقلال کانون وکلا می‌توان فراتر از اصل مدارا نمودن را استنباط کرد و هرگونه خروج از سوگندنامه را شامل می‌شود. از همین‌رو اگر وکیل دادگستری جانب احترام را نسبت به طرف دعوی رعایت نکند به مجازات انتظامی درجه ۳ محکوم خواهد شد. مثلاً وکیلی که از آدرس خواهان اولیه اطلاع داشته و بعد از صدور رای به‌نفع خواهان، وکیل ضمن تجدیدنظر خواهی اقامتگاه خواهان اولیه را مجهول اعلام نماید مرتکب تخلف انتظامی شده است و حداقل این امر را روشن می‌نماید که وکیل تجدیدنظرخواه از پرونده و اقامتگاه خواهان بدوی بی‌اطلاع نبوده است. حال اگر از همین راه به‌طرف دعوی خسارتی وارد آید موکل مسئول جبران خسارت است زیرا از سوگند وکالتی که یاد کرده تخطی کرده است.

8. ابهام در چگونگی جبران خسارات وکیل دادگستری در موارد مسئولیت

1-8. جبران خسارت در حقوق مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی الزام و تعهد قانونی شخص به جبران خسارتی است که مستند به عمل او می‌باشد ولی باید به این مهم توجه داشت که هر زیان و خسارتی قابلیت جبران ندارد زیرا برخی خسارت‌ها لازمه زندگی اجتماعی هستند و از همین‌رو در مسئولیت مدنی باید ناروا بودن ضرر افزوده گردد(غمامی، 1388: 213). مسئولیت مدنی خود به دو حوزه مهم قراردادی و غیر قراردادی منقسم می‌گردد که در قسم قراردادی اگر فرد به خاطر عدم اجرای قرارداد یا ناقص اجرا کردن قراردادی خسارتی به بار بیاورد براساس مسئولیت قراردادی، مسئول جبران خسارت وارده است و در مسئولیت خارج از قرارداد یا همان ضمان قهری وقایع حقوقی است که نتیجه ورود ضرر یا مسلط شدن نا مشروع بر اموال دیگران ناشی می‌شود(داراب‌پور، 1388: 339). به عبارت بهتر مسئولیت قهری مسئولیت جبران خسارت و زیان وارده ناشی از فعل یا ترک فعلی است که از نظر قانون و عرف خطا محسوب می‌شود(یزدانیان، 1386: 49). بر این اساس حقوقدانان نظریات متفاوتی ابراز داشته‌اند برخی «تقصیر» را مبنای مسئولیت دانسته و معتقدند زمانی فرد مسئول جبران خسارت است که مرتکب تقصیری شده باشد و زیان دیده نیز باید بتواند رابطه سببیت میان تقصیر فاعل زیان و زیان وارده را اثبات نماید(کاتوزیان، 1394: 22؛ قاسم‌زاده، 1387: 323). برخی دیگر بدون توجه به تقصیر صرف وجود رابطه سببیت بین فعل شخص و زیان وارده را برای تحقق و احراز مسئولیت کافی می‌دانستند و این نظریه به نظریه «خطر» شهرت پیدا کرد. در این نظریه مبنای مسئولیت رابطه سببیت است و مسئول کسی است که فعالیت او زبانی به دیگری رسانده است(حسینی‌نژاد، 1389: 29). لذا نمی‌توان مبنای مسئولیت مدنی را منحصر در نظریه تقصیر یا خطر دید بلکه متناسب به نوع خسارت وارده میتوان به نظریه خطر یا تقصیر استناد کرد به‌عنوان مثال در قانون مدنی ایران در باب تسبیب، مسئولیت مبتنی بر تقصیر است ولی مسئولیت در اتلاف مصداقی از نظریه خطر محسوب می‌گردد(یزدانیان، 1386: 127). بنابراین با توجه به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، مبنای مسئولیت مدنی در حقوق ایران تقصیر است و در مواردی به صورت استثنا نظریه خطر پذیرفته شده است و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی در مقام بیان یک قاعده بوده و این به معنای آن نیست که تقصیر مبنای منحصر مسئولیت است زیرا که گاهی ممکن است مسئولیت بدون تقصیر نیز بوجود بیاید(قاسم‌زاده، 1387: 19). با ورود ضرر و تقصیر و اثبات رابطه سببیت میان این دو زیان دیده می‌تواند



جبران خسارت را از دادگاه بخواهد و عامل زیان نیز باید نتیجه کار نامشروع خود را جبران نماید و وضع زیان دیده را به حالت سابق بازگرداند. جبران خسارت و اعاده وضع زیان دیده به حالت سابق به دو صورت انجام می گیرد: (یزدانیان، 1386: 128)

الف) جبران عینی:

وضع زیان دیده باید به حالت قبل بازگردد بدین معنی که خسارت وارده به گونه ای تدارک دیده شود که گویی از اصل خسارتی وارد نیامده است. بهترین شیوه جبران خسارت آن است که وضع زیان دیده کاملاً به حالت پیش از ورود زیان بازگردد زیرا که هدف و ملاک مسئولیت مدنی جبران کامل خسارت است و این شیوه به علت آن که باعث محو شدن کامل ضرر می شود بر دیگر راه های جبران خسارت ارجحیت دارد (صفایی و رحیمی، 1399: 220). از این رو از جبران عینی با عنوان اعاده وضع سابق زیان دیده یاد می شود (کاتوزیان، 1394: 159؛ حسینی نژاد، 1389: 91). شایان ذکر است که در جبران عینی و بازگرداندن وضع زیان دیده به حالت سابق تمام ضرر وارده را جبران نمی کند و تنها خسارت ناظر به آینده را منتفی می کند و باید خساراتی که در گذشته تا زمان اعاده وضع سابق وارد آمده بوسیله غرامت پرداختی از جانب عامل زیان جبران گردد (کاتوزیان، 1394: 162). از نظر منطقی و نظری اولویت با جبران عینی است ولی در برخی موارد از قبیل ضررهای جسمانی، تلف اموال قیمی، مواردی که جبران عینی با عسر و حرج و ضرر جانی یا مالی همراه است و همچنین در جایی که جبران عینی غیرممکن، بی فایده یا نادعادلانه است راه های دیگر جبران مثل جبران معادلی خسارت مقرر می شود.

ب) جبران معادلی:

جبران خسارت از راه دادن معادل است بدین معنی که گاهی اعاده وضع به حالت سابق امکان پذیر نیست ارزشی معادل آنچه که از دست رفته است به زیان دیده داده می شود. باید توجه داشت که این دو مورد در اختیار و انتخاب زیان دیده نمی باشد بلکه دارای اولویت است و ابتدا باید براساس مواد قانونی جبران عینی صورت بگیرد و در صورت عدم امکان جبران عینی، جبران معادلی جایگزین آن خواهد شد ولی از آن جهت که شیوه های جبران ارتباطی به نظم عمومی ندارد می توان برخلاف آن نیز تراضی کنند و دادگاه با توجه با اوضاع و احوال قضیه شیوه جبران خسارت وارده را تعیین کند (کاتوزیان، 1394: 159). بنابراین شیوه های جبران خسارت عبارتند از جبران عینی و جبران معادلی و جبران معادلی خود به دو دسته جبران غیرنقدی خسارت و جبران نقدی خسارت تقسیم می گردد. جبران عینی خسارت همیشه امکان پذیر نیست و موجب جبران خسارت گذشته نمی شود یا ممکن است دادگاه براساس ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی جبران عینی را مناسب نداند در این موارد باید معادل آنچه که از دارایی زیان دیده خارج شده به دارایی وی برگردد که این معادل می تواند به صورت نقدی با پرداخت مبلغی پول یا غیر نقدی با دادن مثل باشد (صفایی و رحیمی، 1399: 251). جبران خسارت عینی و معادلی در عرض هم نیستند و تا زمانی که امکان جبران خسارت عینی (اعاده وضع سابق) وجود داشته باشد نوبت به جبران معادلی نمی رسد مگر در موارد استثنایی که دادگاه تصمیم بر جبران خسارت معادلی می گیرد. از همین رو راه درجه دوم خسارت پس از رد عین، دادن مثل است و اگر دادن مثل امکان پذیر نباشد نوبت به شیوه درجه سوم جبران خسارت، دادن قیمت می رسد (صفایی و رحیمی، 1399: 252). البته این روش از جبران خسارت در دادگاه ها مغفول مانده است زیرا که اولاً مثل همه اموال وجود ندارد و دادن مثل امکان پذیر نیست و ممکن است خسارت به اموالی وارد گردد که اشیاء و نظایر آن موجود نیست و قیمی محسوب می گردد که در این صورت جبران خسارت غیرنقدی و دادن مثل امکان پذیر نیست. ثانیاً به خاطر سهولت و مطلوبیت پول برای عموم، محاکم هر چند خسارت به مال مثلی وارده آمده و مثل نیز یافت می شود باز به جبران نقدی خسارت حکم می دهند (کاتوزیان، 1394: 164). جبران نقدی خسارت در غالب موارد شیوه جبران خسارت نقدی توسط محاکم انتخاب می شود و پرداخت وجه رایج ترین و مهمترین روش جبران خسارت در مسئولیت مدنی به شمار می رود (صفایی و رحیمی، 1399: 251). زیرا که این روش از سویی بسیار آسان بوده و از سویی دیگر اغلب زیان های غیرمالی از قبیل زیان به- جسم، آبرو، منفعت از این طریق جبران می گردد.

بنابراین جبران خسارت نقدی می‌تواند به صورت یکجا و فوری یا به صورت مستمری انجام شود و ارجح آن است که به صورت فوری و یکجا صورت پذیرد ولی اگر دادگاه حکم به قسطی جبران کردن خسارت دهد و عامل زیان به صورت مستمر خسارت را جبران کند باید ارزش پول در نظر گرفته شود تا هدف مسئولیت مدنی که جبران کامل خسارت است محقق گردد از این رو محاکم با اختیاری که از ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی به دست آورده‌اند شاخص قابل تغییری را ز قبیل میزان ریالی دیه که هر سال از سوی قوه قضاییه اعلام می‌گردد در تعیین میزان مستمری در نظر بگیرند تا جبران خسارت به طور کامل صورت بگیرد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۹: ۲۵۵).

2-8. جبران خسارت در حقوق بیمه

جبران خسارت در بیمه نسبت به جبران خسارت در مسئولیت مدنی به علت مبانی جبران خسارت در حقوق بیمه از قلمروی گسترده تری برخوردار است یعنی خسارت وارده باید به طور کامل و به نحو مطلوب جبران شود و جبران خسارت مبتنی بر تقصیر عامل زیان نیست بلکه ممکن است بوسیله حوادث قهری خساراتی به بیمه‌گذار وارد آید که بیمه‌گر موظف است خسارت وارده را جبران نماید. به عبارت بهتر در حقوق بیمه تحقق خسارت و جبران آن وابسته به تحقق ارکان مسئولیت مدنی نیست از این رو مبانی جبران خسارت در بیمه با مبانی جبران خسارت در مسئولیت مدنی دارای تفاوت‌هایی است. جبران خسارت در حقوق بیمه مبتنی بر مسئولیت قراردادی است و بیمه‌گر بواسطه عقد بیمه متعهد می‌گردد در صورت وقوع موضوع بیمه و وارد آمدن خسارت براساس عقد بیمه زیان بوجود آمده را جبران سازد و به همین علت بیمه را قراردادی می‌دانند که به موجب آن، بیمه‌گر در برابر دریافت حق بیمه تعهد می‌کند، در صورت تحقق مسئولیت بیمه‌گذار، خسارت وارده از سوی او یا خسارت وارده بر او را جبران سازد (کاتوزیان و ایزانلو، ۱۳۹۷: ۲۱۲). از سوی دیگر بیمه عقدی معوض است (بابایی، ۱۳۹۶: ۵۱) و جبران خسارت از سوی بیمه‌گر در عوض حق بیمه پرداختی از سوی بیمه‌گذار است و علت تعهدات بیمه‌گر محسوب می‌شود (بابایی، ۱۳۹۶: ۱۰۳) بنابراین بیمه‌گر در برابر دریافت حق بیمه متعهد می‌گردد خسارت وارده از سوی بیمه‌گذار را جبران نماید (کریمی، ۱۳۷۶: ۱۰۸). براساس اصل غرامت در حقوق بیمه، بیمه‌گر تعهد دارد که خسارت واقعی زیان‌دیده را طبق مفاد و شرایط بیمه‌نامه تا سقف مورد تعهد خود جبران کند و تا حد امکان زیان‌دیده را در موقعیت قبل از ورود خسارت قرار دهد و نباید موجب افزایش دارایی و یا انتفاع بیمه‌گذار یا زیان‌دیده گردد. بنابراین ملاک جبران خسارت در حقوق بیمه، رفع بی‌تعادلی است که در پی حادثه مورد نظر در وضع مالی بیمه‌گذار بوجود آورده و نباید بیمه‌گذار یا زیان‌دیده در وضعی مساعدتر از قبل از وقوع حادثه قرار بگیرد (بابایی، ۱۳۹۶: ۱۳۶). اگر این اصل ملاک جبران خسارت در حقوق بیمه نباشد باعث می‌شود که بیمه‌گذار به بیمه به منزله یک منبع سودآور نگاه کند و از همین راه منتفع گردد و از سوی دیگر باعث فساد در جامعه می‌شود و نظم عمومی را مختل خواهد کرد و همچنین مشوقی برای ایجاد خسارت‌های عمدی می‌شود (کریمی، ۱۳۷۶: ۱۰۸).

9. ابهامات و اشکالات اجرایی در خصوص قراردادهای بیمه مسئولیت حرفه‌ای وکلای دادگستری

9-1. موانع موجود در قراردادهای بیمه مسئولیت حرفه‌ای برای بیمه‌گذار

الف) منع بیمه‌گذار از پذیرش مسئولیت

بیمه‌گذار از قبول مسئولیت از جانب خود منع شده است که به شرط منع اقرار در بیمه‌نامه‌های مسئولیت مشهور است و هدف از این شرط آن است که از تبانی بیمه‌گذار با زیان‌دیده و یا بی‌مبالاتی بیمه‌گذار جلوگیری به عمل آید (کاتوزیان و ایزانلو، ۱۳۹۷: ۸۸) زیرا که با پذیرش مسئولیت از جانب بیمه‌گذار حقوق بیمه‌گر تحت‌تاثیر قرار می‌گیرد و بیمه‌گر مجبور به پرداخت خسارت شده و باید مسئولیت مدنی بیمه‌گذار را پاسخگو باشد. از این رو تعیین مسئول تابع احکام و شرایطی است که توسط مراجع ذی‌صلاح مشخص می‌گردد (بابایی، ۱۳۹۶: ۸۹). بنابراین اقرار بیمه‌گذار معتبر است ولی منجر به مسئولیت بیمه‌گر نمی‌شود و در مقابل او قابل استناد نیست بلکه براساس قاعده اقرار خود بیمه‌گذار مسئول شناخته می‌شود و باید خسارت وارده را جبران سازد و بر اساس ماده ۱۲۷۸ قانون مدنی بیمه‌گر را پایبند نمی‌سازد (کاتوزیان و ایزانلو، ۱۳۹۷: ۹۲). ضمانت اجرای تخلف از این شرط و پذیرش مسئولیت توسط بیمه‌گذار این است که این پذیرش و اقرار علیه بیمه‌گر قابل استناد نیست و

تکلیفی بر جبران خسارت ندارد و بیمه‌گر تنها در صورتی مکلف به جبران خسارت است که با توجه به اوضاع و احوال و دلایل عینی مسئولیت متوجه بیمه‌گذار شده باشد (بابایی، 1396: 190). از نظر آیین دادرسی مدنی، عدم قابلیت استناد بیمه‌گذار، بیمه‌گر را در مقام منکر قرار داده است و زیان‌دیده باید مسئولیت بیمه‌گذار در مقابل او را اثبات نماید (کاتوزیان و ایزانلو، 1397: 93).

ب) منع بیمه‌گذار از مصالحه با زیان‌دیده درباره مسئولیت

منع بیمه‌گذار از مصالحه با زیان‌دیده مانند اقرار به مسئولیت با هدف جلوگیری از تبانی بیمه‌گذار با زیان‌دیده و بی‌مبالاتی بیمه‌گذار در قراردادهای بیمه درج می‌گردد. زیرا که این مصالحه به معنای قبول و پذیرش تمام یا بخشی از مسئولیت است (بابایی، 1396: 190). دلیل ممنوعیت مصالحه بیمه‌گذار با زیان‌دیده مبتنی بر اصل اثر نسبی قراردادها است زیرا الزام بیمه‌گر به مفاد صلح میان بیمه‌گذار و زیان‌دیده در واقع سرایت دادن اثر عقد صلح به بیمه‌گر است. و اگر بیمه‌گر را ملزم به پرداخت مبلغ صلح کنیم، خلاف اصل نسبی بودن عمل کرده‌ایم (کاتوزیان و ایزانلو، 1397: 96). ضمانت اجرای مصالحه با زیان‌دیده توسط بیمه‌گذار، عدم قابلیت استناد در مقابل بیمه‌گر است و وی تعهدی بر جبران خسارت وارده ندارد (بابایی، 1396: 190).

2-9. حقوق بیمه‌گر در دعاوی مطروحه از جانب زیان‌دیده

الف) اختیار وکیل جهت دفاع

براساس اصل جانشینی، بیمه‌گر قائم مقام بیمه‌گذار می‌شود و تمام حقوق و توابع آن به بیمه‌گر منتقل می‌گردد. از این‌رو بیمه‌گری که خسارت وارده را پرداخته است در دعوی مسئولیت علیه ثالث مسئول حادثه جانشین بیمه‌گذار می‌شود (کریمی، 1376: 89). دعوی بیمه‌گر علیه ثالث مسول را نباید با دعوی اصیل خلط کرد زیرا که میان خسارت وارده و دعوی مسئولیتی که بیمه‌گر علیه ثالث مطرح کرده رابطه سببیت وجود ندارد و بیمه‌گر صرفاً به علت تعهدی که در برابر حق بیمه دریافتی داشته خسارت را جبران نموده است. بنابراین دو شرط اساسی دعوی مسئولیت، یعنی وجود خسارت و رابطه سببیت بین خسارت و فعل زیان‌بار، در دعوی بیمه‌گر به عنوان اصیل مسئول حادثه وجود ندارد (بابایی، 1396: 173). مزید بر اصل جانشینی که در مقررات بیمه‌ای وجود دارد در برخی بیمه نامه شرط اداره دادرسی نیز قرار داده می‌شود و بدین وسیله بیمه‌گر همچون وکیل امین باید در دعوایی که علیه بیمه‌گذار مطرح شده از حقوق او دفاع کند و در این راستا اگر بیمه‌گر وکلای انتخابی او تقصیری مرتکب شود در مقابل بیمه‌گذار مسئول هستند (کاتوزیان و ایزانلو، 1397: 105 و 106). وجود شرط اداره دادرسی برای بیمه‌گر این امکان را به بیمه‌گر می‌دهد تا به انتخاب خود وکیل دادگستری را انتخاب کند و تحت نظارت خودش در جلسه دادرسی وکیل را شرکت دهد. و از آن جا که بیمه‌گر براساس این شرط خود وکیل بیمه‌گذار محسوب می‌شود و وکالتش مطلق است، از تمام اختیارات لازم در امر دادرسی برخوردار است و حق دارد از رای صادره فرجام بخواهد و از تمام طرق شکایت از احکام برخوردار است (کاتوزیان و ایزانلو، 1397: 107). از همین‌رو بیمه‌گر بواسطه قائم مقامی که از بیمه‌گذار دارد می‌تواند برای دفاع از حقوق خود در دعوی مطروحه علیه ثالث عامل زیان یا دعوی که از جانب زیان‌دیده علیه بیمه‌گذار مطرح می‌شود از وکیل استفاده کند تا به علت آشنایی وکیل با مسائل و قوانین حقوق بنحو احسن از بیمه‌گر و حقوق بیمه‌گذار دفاع نماید.

ب) حق ارجاع به داوری

بر اساس شرط اداره دادرسی، بیمه‌گر بواسطه شرط اداره دادرسی وکیل بیمه‌گذار گردیده و وکالت آن مطلق است و بلاعزل و از همین‌رو تمام اختیارات حقوقی را دارا می‌باشد و وکالتی مطلق دارد بدین معنی که تمام حقوقی که برای بیمه‌گذار متصور هستیم به صورت کامل و تمام به بیمه‌گر منتقل می‌شود (کاتوزیان و ایزانلو، 1397: 105 و 106). یکی از حقوقی که بیمه‌گر از آن برخوردار است، بحث ارجاع به داوری و تعیین داور است که هرگاه دعوایی که علیه بیمه‌گذار یا هر شخصی که



مسئولیتش تحت پوشش بیمه است اقامه گردد، بیمه گر می تواند آن دعوی را به داور ارجاع داده و از طریق داور دعوی اقامه شده را حل و فصل نماید (کاتوزیان و ایزانلو، 1397: 114).

ج) حق مصالحه و سازش با زیان دیده

بر اساس ممنوعیت بیمه گذار از مصالحه با زیان دیده به، این حق صلح به بیمه گر داده می شود و اعطای حق صلح به بیمه گر نوعی وکالت ضمن عقد لازم بیمه است که بیمه گذار نمی تواند بیمه گر را عزل کند. (کاتوزیان و ایزانلو، 1397: 98). بنابراین از آنجا که اعطای این حق به بیمه گر وکالت محسوب شده و بیمه گر وکیل بیمه گذار محسوب می شود باید مصلحت بیمه گذار را رعایت کند و بر مبلغی بیش از خسارت وارده با زیان دیده صلح ننماید. البته شایان ذکر است که عدم رعایت مصلحت موکل به طور غیر عمد موجب مسئولیت وکیل در برابر موکل می گردد و صلح صورت گرفته معتبر است (کاتوزیان و ایزانلو، 1397: 99). از آنجا که بیمه گر وکیل بیمه گذار محسوب می شود در عقد صلحی که با زیان دیده منعقد می نماید باید تنها در خصوص خسارات وارده از جانب بیمه گذار مصالحه کند بنابراین اگر چنانچه از طرف زیان دیده به بیمه گذار خساراتی وارد آمده باشد بیمه گر حق مصالحه در مورد چنین خساراتی را ندارد زیرا که موضوع نمایندگی و وکالت بیمه گر مسئولیت بیمه گذار است نه خساراتی که به بیمه گذار وارد آمده است (کاتوزیان و ایزانلو، 1397: 101).

10. نتیجه گیری و پیشنهادها

بیمه مسئولیت حرفه ای، مسئولیت قانونی و حرفه ای صاحبان حرف را در مقابل مشتریان، در صورت عمدی نبودن خسارت وارده، پوشش می دهد و این نوع بیمه در کشور ما به دو علت مغفول مانده است: اولاً صنعت بیمه در کشور ما هنوز نوپاست و نتوانسته در همه ابعاد زندگی نقش ایفا کند و به همین دلیل صاحبان حرف کمتر به بیمه مسئولیت خود تمایل نشان می دهند؛ ثانیاً بیمه نامه های موجود فاقد استانداردهای لازم برای تبیین روابط طرفین می باشد. بنیادی ترین اصل در حقوق بیمه در کشور ایران «اصل غرامت» می باشد که براساس این اصل بیمه گر تنها باید خسارات وارده را تا سقف توافق شده در قرارداد، پرداخت نماید. این اصل حاکی از دو بعد اثباتی و منفی می باشد، بدین معنی که بیمه گر از یک سو، باید به صورت تمام و به نحو مطلوب خسارت وارده را جبران کند که این وجه، بعد اثباتی اصل جبران خسارت است و از سوی دیگر جبران نباید موجب افزایش دارایی زیان دیده شود یا به عبارت دیگر، جبران خسارت نباید بیمه گذار را در وضعی مساعدتر از قبل از وقوع خسارت قرار دهد. زیرا اگر این اصل را ملاک جبران خسارت قرار ندهیم، بیمه منبعی برای استفاده بیمه گذار می شود و فساد ایجاد می کند و محل نظم عمومی می گردد. در تعهدات بیمه گذار و بیمه گر نیز به این نتیجه رسیدیم که حقوق ایران به بیان مطالب کلی اکتفا کرده در حالی که حقوق کشورهای دیگر مثل آمریکا تعهدات ویژه ای را بر دوش بیمه گذار و بیمه گر قرار داده است. لذا بنظر میرسد شرکت های بیمه، برای آن که خطرات احتمالی خود را کاهش دهند و به بیمه مسئولیت حرفه ای وکلا تمایل پیدا کنند، بهتر است که علاوه بر پنهان کاری، از نمایندگی و ضمانت نیز بهره ببرند. تا بدین وسیله بتوانند به راحتی بیمه مسئولیت حرفه ای وکلا را کنترل نمایند و وکلا را موظف نمایند تا حد ممکن، از ایجاد خطر و ورود خسارت به موکلین خود، جلوگیری کنند. از سویی ملاک و مبانی جبران خسارت در حقوق بیمه با مبانی و ملاک جبران خسارت در نهاد مسئولیت مدنی دارای تفاوت است. زیرا در حقوق بیمه باید خسارت وارده جبران گردد و وضع مالی بیمه گذار را در موقعیتی که قبل از ورود خسارت داشته است قرار دهد در حالی که در مسئولیت مدنی، فرد مسئول باید وضع سابق را اعاده نماید و برای اعاده وضع سابق ابتدائاً باید «جبران عینی» را مدنظر داشته باشد و اگر جبران عینی ممکن نبود، خسارت را از طریق «جبران معادلی» جبران کند. همچنین با توجه به قرارداد بیمه که بین وکیل و بیمه گر منعقد می شود وکیل بواسطه این قرارداد از پذیرش مسئولیت و اقرار به مسئولیت و همچنین مصالحه با زیان دیده منع می شود و هدف از این امر، آن است که از تبانی بیمه گذار با زیان دیده و یا بی مبالاتی بیمه گذار جلوگیری به عمل آید. بنابراین اقرار بیمه گذار معتبر است ولی منجر به مسئولیت بیمه گر نمی شود و در مقابل او قابلیت استناد ندارد بلکه براساس قاعده اقرار، خود بیمه گذار مسئول شناخته می شود و باید خسارت وارده را جبران سازد.



با پیچیده شدن دعاوی و گسترش روزافزون دعاوی وکالت، و احتمال آن که وکیل به علت تقصیرات غیرعمدی دچار اشتباه و خطا گردد، بسیار است. بنابراین پیشنهاد می‌شود:

- برای آن که وکلای دادگستری با آرامش کامل و بدون دغدغه به امور وکالت خود بپردازند و حقوق تضییع شده افراد جامعه را احقاق نمایند، ضروری است تا بیمه مسئولیت حرفه‌ای وکلای دادگستری الزامی گردد.
 - برای تحقق این ضرورت، شرکت‌های بیمه می‌توانند بیمه‌نامه‌ای را تنظیم کنند که هم مسئولیت حرفه‌ای وکلا را پوشش دهد تا در صورت ورود خسارت به موکلین، خسارت آنها جبران گردد و فشار مالی بر وکیل دادگستری وارد نگردد و هم با تبیین دقیق موارد تحت پوشش و با قراردادن ضمانت اجراهای دقیق، سود و ضرر خود را لحاظ نمایند و از اخلاف در نظم عمومی و ایجاد فساد جلوگیری نمایند.
- به‌عنوان مثال شرکت‌های بیمه می‌توانند در قراردادهای خود با وکلای دادگستری این مواد را در بیمه‌نامه قرار دهند که در ذیل به آنها اشاره خواهیم کرد:

موضوع تحت پوشش:

- جبران خسارات ناشی از مسئولیت مدنی حرفه‌ای وکلای دادگستری در قبال اشخاصی است که به علت خطا، اشتباه، غفلت یا قصور وی در انجام امور حقوقی دچار خسارات مالی شوند. تعهدات این بیمه‌نامه جبران خسارات مالی است که وکیل دادگستری براساس رای مراجع ذیصلاح مسئول پرداخت آنها شده باشد.

تعهدات بیمه‌گذار:

- بیمه‌گذار مکلف است حد اعلاای حسن نیت را رعایت کرده و تمام اطلاعات لازم را در اختیار بیمه‌گر قرار دهد. چنانچه بیمه‌گذار تعهد مذکور را انجام ندهد، بیمه‌گر حق دارد موضوع مورد بیمه را پوشش ندهد و قرارداد را فسخ نماید.
 - بیمه‌گذار موظف است اداره دادرسی را به طور کامل در اختیار بیمه‌گر قرار دهد و از این‌رو نسبت به موضوع بیمه با زبان‌دیده مصالحه نکند و همچنین به مسئولیت خود در قبال زبان‌دیده اقرار نکند در این صورت بیمه‌گر، موظف به رعایت مفاد عقد صلح مابین طرفین نیست و می‌تواند پوشش بیمه‌ای را انجام ندهد.
- تعهدات بیمه‌گر:

- بیمه‌گر موظف است علاوه بر جبران خسارت، هزینه‌های دادرسی را نیز پرداخت کند.
 - بیمه‌گر باید در مقام دفاع از بیمه‌گذار، اقدام نماید و تمام اطلاعات لازم را جهت دفاع، از بیمه‌گذار دریافت نماید.
 - بیمه‌گر موظف است تنها خساراتی را جبران کند که در دادگاه به اثبات رسیده باشد.
- استثنائات موضوع بیمه:
- خسارات عمدی از قبیل؛ فعل یا ترک فعل عمدی و هرگونه خسارتی که با سوء نیت همراه باشد.
 - ارتکاب جرایم و خسارت‌های کیفری.

منابع

- کاتبی، حسینقلی، وکالت، انتشارات آبان، بی تا.
- کاتوزیان، ناصر، عقود معین، ج 2، انتشارات گنج دانش، چاپ 1394.
- موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج 4، انتشارات مکتبه الاسلامیه، چاپ 4. بی تا.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ چهاردهم، 1383.
- عباسلو، بختیار، بابا پسندی، مریم، صالحی، سعیده، نقش تخلف انتظامی در مسئولیت مدنی وکیل دادگستری، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، 1395.
- سرشار، محمود، مجموعه مقررات اخلاقی راجع به وکالت، نشریه کانون وکلا، دوره اول، شماره 8، دی 1327.
- کریمی، آیت، کلیات بیمه، تهران، انتشارات بیمه مرکزی ایران، چاپ دوم، 1376.
- کاتوزیان، ناصر، وقایع حقوقی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ پانزدهم، 1394.



- کاتوزیان، ناصر، ایزانلو، محسن، مسئولیت مدنی، ج سوم. (بیمه مسئولیت)، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، 1397.
- صفایی، سیدحسین، رحیمی، حبیب‌الله، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران، انتشارات سمت، چاپ سیزدهم، 1399.
- غمامی، مجید، قابلیت پیش بینی ضرر در مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات سهامی انتشار، 1388.
- یزدانیان، علیرضا، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، ج اول، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول، 1386.
- داراب‌پور، مه‌راب، مسئولیت خارج از قرارداد، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، 1387.
- حسینی‌نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، 1389.
- قاسم‌زاده، مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، 1387.
- بابایی، ایرج، حقوق بیمه، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهاردهم، 1396.



Challenges of the Professional Liability Insurance System for Lawyers

AmirAli Asady
(Master of Criminal Law and Criminology)

Abstract

By working in a certain profession, some people in society are obliged to comply with the rules and professional requirements of their job, and if they do not comply with the professional and occupational requirements and cause damage, they have professional responsibility. One of the professions that may cause damage is the profession of lawyer. The lawyer may cause damage to his client due to the mistakes he has committed, and the lawyer must compensate for this damage. Therefore, in this article, the goal is to introduce the creation of professional liability insurance for lawyers as the best and most efficient compensation solution to compensate the victims on the one hand, and on the other hand, to give the lawyer peace of mind in order to fulfill his duties. provide his professional duties. Therefore, first, the professional responsibility of a lawyer has been examined by stating its difference with a civil lawyer, then the nature of professional liability insurance for lawyers, the basis and criteria for compensation in insurance rights, as well as its ambiguities and challenges have also been examined. The result of this research was that it is possible to document the unintentional mistakes of attorneys in the insurance coverage and compensation for the damages caused by the lawyer's intentional mistakes based on Article 14 of the Insurance Law approved in 1316, and exclude them from the insurance coverage. It should not be used as a means of making profit for the lawyer and should not cause public order disturbances and intentional damages.

Keywords: Insurance, professional liability, ambiguities, lawyer.